

# ایهام تناسب کار

## شعر حافظ



مقدمه

چکیده

نویسنده در این مقاله کوشیده است هر جا که در شعر حافظ ایهام تناسبی با واژه‌ی «کار» ساخته شده آن را، با توجه به معنای موسیقایی «کار»، بررسی و تحلیل نماید.

کلمه واژه‌ها

ایهام تناسب، کار، حافظ، موسیقی.

احمد غلامی  
کارشناس زبان و ادبیات فارسی  
و دبیر دبیرستان‌های کرج



یکی از مواردی که باعث شده، حافظ گوی سبقت از شاعران قبل و بعد خود برآید، به خدمت گرفتن برجسته‌ترین آرایه‌های لفظی و معنوی است، از جمله آرایه‌های ایهام و به‌خصوص ایهام تناسب و شاید همین چندلایگی و تودرتو بودن شعر حافظ است که هر کس خویش را در ژرفای آن می‌یابد. استاد منوچهر مرتضوی درباره‌ی همین چند لایه بودن شعر حافظ گوید: «خواجeh شیراز، با آوردن کلمات و عباراتی که به اعتبارات گوناگون متحمل معانی و مفاهیم گوناگونی هستند و طرح قرائن و لوازم مناسب و کافی، ذهن خواننده را با هر توجهی به مضمون نو و معنایی بدیع هدایت می‌کند و گاهی ظرفیت معنوی و جامعیت و نیروی کلمات یا عبارات و تنوع کیفیت قرائن و مناسبات تا حدی است که معنی از معنی می‌شکافد و ایهام از ایهام می‌زاید و چه بسایک ایهام خود اندیشه‌ی خواننده را به ایهامی دیگر منتقل می‌سازد و آن ایهام نیز به نوبه‌ی خود دریچه‌ای به سوی مفهوم و مقصودی جدید به روی ذهن می‌گشاید» (مکتب حافظ: ۴۵۵). نگارنده، در این مقاله ایهام تناسب‌های باریک و نغزدار حافظ را با محوریت واژه‌ی «کار» بررسی کرده است. اما پیش از آن توجه خوانندگان را به ذکر دو نکته، که یادآوری آن‌ها ضرورت می‌نماید، جلب می‌کند.

الف) ایهام تناسب زمانی در شعر پدید می‌آید که کلمه‌ای دو یا چند معنا داشته باشد. در عین حال، یکی از این معانی اصلی و بقیه غیراصلی باشند. آن‌گاه واژه‌ی مورد نظر در معنای غیراصلی خود با برخی واژه‌های دیگر شعر تناسب برقرار کند. حافظ، به فراوانی، از این نوع ایهام بهره برده است.

ب) گونه‌ای دیگر از ایهام تناسب آن است که دو واژه در بیت به کار رفته باشند هر کدام با دو معنا، لیک شاعر یک معنا از آن‌ها اراده کرده باشد و آن دو، در دو معنای دیگری که خواسته نشده است، با یکدیگر تناسب و پیوند برقرار کنند، مثلاً در این بیت:

از آن روی است یاران را صفاها با می‌لعلت  
که غیر از «راستی» «نقشی» در آن جوهر نمی‌گیرد

(حافظ به تصحیح قزوینی و غنی).

سایر ابیات مقاله نیز از همین مأخذ است)

که می‌بینیم بین واژه‌ی «نقش»، علاوه بر معنای اصلی آن، در معنای دیگر آن که مربوط به موسیقی است با واژه‌ی «راست»، که آن نیز از مصطلحات موسیقی است، ایهام تناسب برقرار کرده است (واژه‌نامه‌ی موسیقی ... ذیل نقش و راست).

## نگاهی به ایهام تناسب «کار» در شعر حافظ

قبل از پرداختن به نمونه‌ها، یادآور می‌شود که «کار» یک اصطلاح موسیقی است: از محور اصول نامتناهی است. درآمد از نقرات کنند و بعد از آن بیت‌خوانی و باز بر سر نقرات آمده سرخانه تمام کنند و سرخانه به یک نوع دارد و یک میان خانه و بازگویی و ترکیباتی چون کارساز و کار عمل، که هر کدام در موسیقی استعمال دارند از این نوع است (ستایشگر، ۱۳۷۴: ذیل کار).

یکی از مواردی که باعث شده، حافظ گوی سبقت از شاعران قبل و بعد خود بر باید، به خدمت گرفتن برجسته‌ترین آرایه‌های لفظی و معنوی است

۱. همه کارم ز خود کامی به بدنایم کشید آخر  
نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفل‌ها

در این بیت بین «کار» در معنای مصطلح در موسیقی، که پیش از این به آن اشاره شد، با «سازند» که آن نیز در موسیقی در معنای تنظیم کردن آهنگ و قول و نغمه و کوک کردن آلات موسیقی است، ایهام تناسب برقرار است. این واژه (سازند)، گاهی در معنای «نواختن» در ابیات دیگری از حافظ در همین معنای موسیقایی به کار رفته است:

زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت  
کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد

مطرب بساز پرده که کس بی‌اجل نبرد  
وان کانونه این ترانه سراید خطا کند

۲. صلاح کار کجا و من خراب کجا

ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا

بین «ره = راه، در معنای پرده، مقام، آهنگ» با «کار» پیوند و تناسب موسیقایی جاری است. در بیت زیر نیز این واژه (راه) پیوند موسیقایی زیبایی با «زدن، مطرب، قول» ساخته شده است:

چه راه می‌زند این مطرب مقام شناس

که در میان غزل، قول آشنا آورد

اگر از این نگاه به واژه‌ی «راه» بنگریم، این واژه ترکیبات موسیقایی گوناگونی در ادب پارسی پدید آورده است، نظیر «راه گل، راه ماوراءالنهری، راه شب‌دیز، راه قلندر، راه حجاز و عراق...» (همان: ذیل راه).

۳. فغان کاین لولیان شوخ شیرین شهر آشوب

چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

در این بیت بین «شهر آشوب» که آن کار رنگی قدیمی با الحان

ساده و زیبا و دل‌نشین است و در دستگاه شور، ماهور، همایون، راست پنجگاه، و چهارگاه اجرا می‌شود، با «کار» تناسب و پیوند دارد. با اندکی تسامح می‌توان گفت که بین «لولیان» و «کار» نیز پیوند موسیقایی برقرار است، چه لولیان در طول تاریخ به خنیاگری و رقاصی شهرت داشته‌اند. به نظر می‌رسد گونه‌های دیگر این واژه «کولی، لوری و لولی» باشند.<sup>۱</sup> پیوند موسیقایی کولی را با کوک و راست و پرده و مقام در این بیت استاد شفیع کدکنی به روشنی می‌توان دریافت:

قیزیک کولی کوک است درین تنگی عصر / راست در پرده اندوه و / مقام  
باران / می‌زند / بی‌که نگاهی فکند بر چپ و راست ...<sup>۲</sup>

در بیت دیگر حافظ نیز همین پیوند موسیقایی بین صبا و لولی برقرار است:

صبا ز آن لولی شنگول و آن مست  
چه داری آگهی چون است حالش

۴. ساقی به نور باده بر افروز جام ما

مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

در اینجا بین «کار» و «بگو = گفتن»، که در اصطلاح موسیقی در معنای آواز خواندن است، تناسب جاری است. گاهی در نثر [بگو = گفتن] مرادف قول (خواندن) نیز استعمال شده است:

معنی بیا چنگ را ساز کن  
به گفتن گلو را خوش آواز کن  
(اقبال‌نامه‌ی نظامی، ص ۹۲)

یا، «بر اثر ایشان مطربان زدن و گفتن گرفتند» (تاریخ بیهقی، ۱۳۲۴: ۲۷۶) یا، «مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست چنان‌که در همه‌ی ولایت‌ها معروف است و مطربان آن را سرود ساخته‌اند و می‌گویند» (سبک‌شناسی بهار، ۱۳۵۵: ۳۲۲). اگر با اندکی تسامح بپذیریم بین «جام»، که آن نیز از اصطلاحات موسیقی است، با «کار» در پیوند خواهد بود (فرهنگ معین: ذیل جام).

ایهام تناسب زمانی در شعر پدید می‌آید  
که کلمه‌ای دو یا چند معنا داشته باشد

۵. دلم ز پرده برون شد کجایی ای مطرب

بنال هان که ازین کار، کار ما به نواست

بین «کار» و «پرده و مطرب و نوا» پیوند موسیقایی برقرار است. چه می‌دانیم که «پرده» در موسیقی قدیم نام دوازده آهنگ بوده است و می‌تواند با «کار» در پیوند باشد.

عمر خدا چو صورت و ابروی دل‌گشای تو بست

گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست

۱. بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، چاپخانه بانک ملی، تهران، ۱۳۲۴ • ۲. بُسنوی، محمد سودی، شرح سودی بر حافظ، زرین، ج ۳، چ پنجم، ۱۳۶۶ • ۳. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، ج ۴، تهران، ۱۳۵۵ • ۴. حافظ، دیوان حافظ، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، چ ۲۷، صفی‌علیشاه، ۱۳۷۹ • ۵. حافظ، دیوان حافظ، قزوینی - غنی، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، اساطیر، ج دوم، ۱۳۶۸ • ۶. خاقانی، دیوان خاقانی، ویراسته‌ی دکتر میرجلال‌الدین کزازی، ج ۲، نشر مرکز، ۱۳۸۰ • ۷. خاقانی، دیوان خاقانی، میرجلال‌الدین کزازی، ج اول، نشر مرکز، ۱۳۷۵ • ۸. زریاب خوبی، عباس، آیین‌های جام، انتشارات علمی، ج دوم، ۱۳۷۴ • ۹. ستایشگر، مهدی، واژه‌نامه‌ی موسیقی ایرانی، ج اول، اطلاعات، ج ۳، ۱۳۷۴ • ۱۰. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، هزاره‌ی دوم آهوی کوهی، سخن، ج ۳، ۱۳۷۶ • ۱۱. عطار، شیخ فریدالدین محمد، منطق‌الطیر، تصحیح دکتر شفیع‌ی کدکنی، ج اول، سخن، ۱۳۸۳ • ۱۲. فرخی، دیوان فرخی سیستانی، تصحیح دکتر دبیر سیاقی، چ ۶، نشر مرکز، ۱۳۸۰ • ۱۳. فردوسی، نامه‌ی باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی)، ویراسته‌ی دکتر میرجلال‌الدین کزازی، ج ۲، سمت، ۱۳۸۱ • ۱۴. مرتضوی، منوچهر، مکتب حافظ (مقدمه‌ای بر حافظ‌شناسی)، ج ۲، توس، ۱۳۶۵ • ۱۵. منوچهری، دیوان منوچهری، تصحیح دکتر دبیر سیاقی، ج ۳، زوار، ۱۳۸۰ • ۱۶. نظامی، ابومحمد الیاس بن یوسف، خسرو و شیرین، تصحیح حسن وحید دستگردی، ج ۵، قطره، ۱۳۸۳ • ۱۷. نظامی، ابومحمد الیاس بن یوسف، اقبال‌نامه، تصحیح حسن وحید دستگردی، ج ۵، قطره، ۱۳۸۳ •

در اینجا اگر «کرشمه» را در همان معنای موسیقایی یعنی نغمات کوچکی که با وزنی سه ضربی، که در جای جای ردیف بنا بر اقتضا اجرا و نواخته می‌شود، در نظر آوریم با «کار»، تناسب خواهد داشت. در این بیت «گشاد» نیز یک اصطلاح موسیقی است و با «کار» در تناسب خواهد بود. در بیت زیر در همین معنای موسیقایی به کار رفته است:

گونه‌ای دیگر از ایهام تناسب آن است  
که دو واژه در بیت به کار رفته باشند هر کدام  
با دو معنا، لیک شاعر یک معنا از آنها  
اراده کرده باشد

هم‌چو چنگ ار به گشادی ندهی کام دلم

از لب خویش چونی یک نفسی بنوازم (حافظ، شرح سودی)

ناگفته نماند «بست» نیز یک اصطلاح موسیقی است و نباید آن را از نظر دور داشت.<sup>۳</sup>

۷. ببرز خلق وز عنقا قیاس کار بگیر

که صیت گوشه‌نشینان ز قاف تا قاف است

در این بیت بین «کار» و «گوشه» که بخشی از ساختمان دستگاه موسیقی ایرانی است، پیوند موسیقایی برقرار است (واژه‌نامه‌ی موسیقی: ذیل گوشه). (نویسنده‌ی مقاله شش نمونه‌ی دیگر از دیوان حافظ آورده است که به لحاظ محدودیت صفحات مجله حذف گردید).

## لغت‌نامه‌ها

۱. لغت‌نامه‌ی مرحوم دهخدا، ۲. فرهنگ ۶ جلدی فارسی دکتر محمد معین، ۳. آندراج، ۴. غیث‌اللغات •

## پژوهش

۱. امام شوشتری واژه‌ی «لوری و لولی» را در معنای رقص و خنیاگر از ریشه لولیدن، که یک مصدر فارسی است، ذکر نموده است و بر این باور است که ساز لیر، که به همانندی وسیله‌ی حلاجی و پنبه‌زنی است، مؤید این نظر است (واژه‌نامه، ج ۲: ۳۴۹) • ۲. هزاره‌ی دوم آهوی کوهی، دکتر شفیع‌ی کدکنی: ۲۳۲ و نیز برای آگاهی بیش‌تر از سرگذشت لولی و لولیان مراجعه کنند به مقاله‌ی دکتر زرین کوب در مجله‌ی روابط فرهنگی هند و ایران، سال ۱۹۵۲ م، شماره‌ی یک صص ۱۱-۲۱ و نیز لغت‌نامه‌ی دهخدا و مجمل‌التواریخ و القصص: ۶۹ • ۳. آقای دکتر زریاب خوبی به نقل از تذکره‌ی نصرآبادی (ص ۲۸۱) در این‌باره چنین گوید: بستن در فن موسیقی و نیز بستن صوت و عمل کاربرد دارد و حتی در شوروی به آهنگ‌ساز «بسته‌کار» گویند (آیین‌های جام: ۱۰۲) شاید اصطلاح موسیقی «بسته‌نگار» در موسیقی بی‌ارتباط با این واژه نباشد. •

